



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه (۱۱) بهمن ماه ۱۳۴۳

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت جلسات ۸ و ۹ بهمن .
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: فولادوند - دکتر الموتی - رامبد - دکتر خطیبی .
- ۳ - معرفی هیئت دولت و اعلام برنامه بوسیله آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر .
- ۴ - طرح برنامه و ابراز رأی اعتماد بدولت آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر .
- ۵ - قرائت اسامی هیئت رئیسه کمیسیون رسیدگی بلامیحه اصلاح قانون بازرگانی .
- ۶ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس ساعت ده صبح برباست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت جلسات ۸ و ۹ بهمن

مهندس ارفع - اصلاح مختصری است به اداره

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

تدنیوسی میدهم .

رئیس - اصلاح میشود نظر دیگری نیست (انتهای)

(شرح زیر قرائت شد)

نشد) صورت جلسهها تصویب میشود. آقای مصطفوی .

غائبین با اجازه - آقایان :

مصطفوی - دو فقره طومار است که از فرهنگیان

پیروین - دکتر اسفندیاری - اولیاء - مهندس

و کارگران نائین رسیده برای رسیدگی تقدیم میکنم .

زنجانی - دکتر دشتی - دکتر مبین .

رئیس - آقای نوربخش .

غائبین مریض - آقایان :

نوربخش - نامه است از استادان و دانشکده مربوط

به قانون استخدام که تقدیم مقام ریاست میشود .

سر نیبیور - مهرزاد - دکتر حاتم .

رئیس - آقای کبیری .

رئیس - صورت جلسه های سه شنبه و پنجشنبه بین

کبیری - چند فقره شکایت رسیده است تقدیم مقام

خانها و آقایان توزیع شده است نسبت بصورت جلسه ها

رباست میشود .

نظری نیست ؟ آقای مهندس ارفع .

رئیس - آقای تبریزی .

تیریزگرد نامیست از اهالی تکاب تقدیم مقام ریاست میشود.

۲- بیانان قبل از دستور آقایان: فولادوند -

دکتر المونی - رامبد - دکتر حطینی

رئیس - نظاری: قبل از دستور از شروع مکتبک آقای فولادوند تشریف بیاورد.

فولادوند - با اجازه مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی با کسب اجازه از دولت محترم و با کسب اجازه از انبوه محترم نماینده آقایان محترم نماینده بنده می‌انداختم و متأسفانه همگام با امروز وظیفه نماینده کی‌بهنده امر می‌کنند که راجع بدر گذشت و به رحلت و به رحمت خداوندی بیوستن در چنین انجاء وظیفه سربازی برای شاهنشاه بزرگ و مبین مقدس یکی از بهترین و درخشانترین و با کترین - مصیبی ترین، از بهترین فرزندان ایران شریعت شهادت نوشیدند مطالب گفتنی بسیار است خواهان عزیز هر یک بنده خود فرمودند قبل از این جلسه و بازم خواهد نمود بنده و طی که باغلی حقیقتاً اندوهگین بدم ازینج، شش روز اشعار و امید که شاید خداوند حسنطی منصور نخست وزیر عزیز و لایق ما از آن ضربت خانانها و جانگناه کینفر معلوم الحال بهبود پیدا کند و متأسفانه خودر گذشتگان دستخیزان داشتند اولین فکر و خیالی که بنظر آمد واقعا این بود که:

در صلح عشق جزگو راکتند

مردی به ستان زشت خورا نکشند
که عاشق صادق ز کشتن سرش
کارا که نکو نبود آرا نکشند (احسن)
خداوند مثال شاهد است به جان پاک شاهنشاه بزرگ که بنده و همه از مصیبت قلب منماتریم و اگر آفتان هودراتر نافر قلبی بنده نکشتی دربان وزیران داشته باشم استماع حتماً محترم بنده را غفور فرمایند این جور فصایح که انشاءالله نالی دزیز سایه و قدرت و سرپرستی اعلیحضرت عالیجنوبی دیگر نباید اتفاق بیفتد و اتفاق نفعخواه افاد بر ایا و تمام باعث عزای ملی است و این رنگه همدارای است که برای سرزمین و اهریمن جهل اهریمن پرستان هشتند که باشتی تأویب شوند و تیبیه شوند و سر جای خودشان نمانند و عملی که بنده

مستقلی است که امروز از طرف خودشان به بنده افتخار صحبت دادند (صحیح است) و این عقیده خود جاکسر سرباز است با خودمان دیدن باشتی تکرار کنیم که این چه سروری است از دست دادیم. سروری امید، محرمی درین جوانی مروری محترم مروری بسیار بسیار مؤید و مهربان از طرف و دارای الطاف اخلاقی مروری درین جوانی از لحاظ سیاسی برخه می‌کشد که خودش را برای رهاشتاری تربیتی آماده کرده بود که بتواند خودش حکومتی و سربازی شاهنشاه و سربازی وطن را با نهایت نرمی اخلاق با انصاف و پذیرش انتقاد و هدایت‌ها و راهنمایی و دلالت و فرموده‌های انجم بعد خداوند روح پر قوتش را شاد فرمایند محنتور بابینا، و اولیایا امامت سربازان بنده بخانواده محترم و معزز آن مرحوم و به برادر ارجح‌شان که اینجاست بقادرند و دیگران سربازان بیرق برادر شاه هشتند از مصیبت قلب تسلیت عرض می‌کنم عرض می‌کنم که مرهم خودشان در تمام طول سربازی راهم را برای سربازی آماده کرده بود عاقبت سربازی راهم سرباز می‌داند و برای عاقبت سربازی هم آماده‌اند و او هم با کفایت کافی در این شاهنشاه ششتر میزد و اویش از همه مثل همه فقط زبان حالتی این بود گفتی سرباز شاهنشاه برای شاهنشاه می‌داند، می‌کورد - حرمی می‌کند که غرض از این میان سلامت و توست سلامت کشور ایران و این خود در رفیق خودهای مقدس است که برای شاهنشاهی ایران شاه برای ایران، ملت ایران رفته شده و می‌باید و می‌باید بشود از این خون ریزیده خودشان آماده است و این کشور با خون خودش کرده و هر کس از هر طبقه از هر جای از ایران و از دنیا دیده‌اند و می‌بینند که در راه وطن (حرف نیست است) که ایرانی که بنده از گلپای سربید ما بودی ایران ریشتن خون خودشان آماده است و این افتخار برای همه ایرانیان است و خودشان بود که در راه شاه بزرگ سربازی بکنند و حافظانی بی‌منافی حقیقی بکنند و این افتخار برای همه ایرانیان است و خودشان بود که در راهم رهاشک صورت گرفته است آماده هستیم و مغتنم سربازی می‌کنیم در خانه می‌خواهم عرض کنم که پریشانی یعنی چند شب قبل در همان تاریخ با ششمی بهم که شاهنشاه بزرگوار ایران صحبت می‌فرمودند ما با خانم چشم و

گوشه می‌بینیدم و میدیدم تاریخ ورق می‌خورد و ایران در مرحله حسان است و این‌جا جاکر وقت تشریح بیانان تاریخ و فرمایشات حکیمانه بر می‌پوشد و ناچار انداز همین قدر می‌خواهم عرض کنم که شاهنشاه ما در قلبان یقین دارانند چنان ملتی هستیم که بافت روسیدی شاهان و دیانت روسیدی و موعظانان و تاریخ ایران این اثراد و امثال خود می‌خواهد بود همانطور که به شاهنشاه بزرگش پیروی عرض می‌کنم که سربازان های او هم فخر می‌کنند (احسن) چنانکه منصور فخر مکتبک، منصور عزیز راهی رفت که شاهنشاه و ملت تاریخ شوند با وفادار (احسن).

رئیس آقای دکتر المونی فرماید:

دکتر المونی - با اجازه مقام محترم ریاست واقعا برای همه ما بسیار تألیف آور است که در زبان تکلم مقصود ازینک واقعه‌ای که ملتی را تکان داد حجتی بکنیم هتکه گفتند چه راهم گفتند هر چه ما هم می‌فهمیم مردم ایران تراحت و متامل بودند این اینکه از فرزندان ریشدین ما و این شخصیت ارزنده سیاسی که دامن همت بکسر زده بوده و برای نجات زحمتکشان و روشنفکران ملت ایران و در اجرای مویزات پادشاه بزرگ ما کوشا بود و مورد تقدس تا جوامع ایران را از گرفتار فقرات ملت ایران به این ملت متأسف است که ک اجتماع با شخصیتایی نظیر حسنطی منصور خیلی کم دارد این فرزندی‌بندیکه همه ما افتخار و مدیونیم ما چه عشق و چه علاقه‌ای در راه انقلاب مقصود بهمین جوان ایقوا و این دوست عزیز و این سرباز عاقلانه است. انقلاب درین ما نیست. همه مردمان متأسف هستند. واقعا برای همه ما نشانه بزرگی است از طرف نماینده کان منفرد مجلس شورای ملی این نامه بزرگه را بنامشان منصور، پرستان منصور، و وزیران منصور و همه ملت ایران تالیف عرض می‌کنم اگر چه امروز منصور درین مانیست ولی افکار و اندیشه‌های امروز منصور درین مانیست اگر منصور در وقت افراد دیگری هستند بر چه را که شاهنشاه بنده منصور سیرده بود همان پرچم را بدست بگیرند و انقلاب بزرگه ششم تنها را بشن برسانند مگر منصور چه می‌خواست

چه کرد چه میخواست بکند دستور که بنده میدهیم باک جوان لایق شایسته، مؤبد، مصمم و استوار و عقیدت دوست بسود او عشق و محبت است و عشق به عقیدت دوست باک سرباز بزرگی بود در اجاری سنوات یادمان در روشنگر و مستقر ما من یاد ندارم دستور قطعی کرده باشد و در آن بدهای انقلاب شش بهمن اشاره نکرده باشد من بنده مصمم و سحرینی بکنم و در آن در راه نجات مردم ده شش و دوستان لاین ایران طرح بر نامه ای داشته باشد آرزوی منصور این بود که این ۱۵ میلیون زارع و دهقان و کشاورز ایرانی از این وضع رقتناز نجات پیدا کنند و این همان پرچی بود که ضامن شاهنشاهی منصور داده بودند و ما هم که سرباز انقلاب هستیم ، ما نمائندگان بیست و یکمین دوره قانونگذاری یعنی نموده انقلاب در این راه کوشا هستیم و بیروم و مطمئن هستیم که خیلی زود بنشینیم خواهیم رسید (احست) خوشبختانه امروز دولت کمالات ما دارای یک شک و تائب است و یک رژیم مستحکم است و ایرانیکه فکر کرده اند با این قبیل گلوله ها مسیر تاریخ و میراث و سیر انقلاب ایران و مسیر تحولات ایران را می توانست تغییر بدهند در اشتباه هستند (صحیح است) طرح این نقشه بزرگ که شاهنشاهی است کامروز دنیا وجودش اقتضای میکند فکرهاشیت و اندیشه هایش و برنامه هایش مورد تأیید تمام مردم دنیا میباشد (صحیح است) مارتوی اخیر خود را راديوها و خبر گران جهان جمیکنیم و مطالعه نامه ها و راديوها و خبر گران جهان جمیکنیم شاهنشاه ما ناهه حد در دنیا مؤثر و مقید و بالرزش است است آیا با می شود گفت در چنین عصری بازم ۱۵ میلیون زارع و دهقان ایرانی در دنج و اسارت و بیدستی باشند ، اگر شاهنشاهی قیام کردند برای نجات اکثریت ملت و نخست وزیر لایق و خدمتگاری این پرچم را بدست گرفت آیا باید در جلو خانه ملت شهید شود زهی تأسف و اقامت جای نهباست تأسف است با آن که نظران و دیوانگاران افرادی کفکسر میکنند این قبیل بنیان برترکات میشود نمی را بسبق بر کرده اند یک نفر که این برترکات قابل قبول نیست ، امروزه مردم ایران مؤمن و مستعد هستند و در این راه جلو میروند و ما به پهلوی بزرگ انقلاب خواهیم رسید و هماطور که روز بروز احسان

میکنیم ما ایرانیان جلو میروند و رفتی میکند مسأله بنشیند هائی و عالی که نجات ما ایران است خواهیم رسید ، این روزها که بهر بخدای ، بهر نطفه ای ، بهر مومنی که مریم میبینیم که هر کس در هرایب و بهر مومنی نسبت به این شایه بزرگ اظهار تأسف میکند و اشک میریزد و افعا و مل ملت ایران سوخته است که سوراخ باید باز فرزند لایق وطن ما انتظار هدف یلک، سو خفد مسأله ناجوانمردانه ای که بر میگردانند بر این طبقه تحصیل کرده و روشنگر ایران افراد شایسته زیاد داریم ولی افعا و بدورت میشود شخصیت های ارزنده ای مثل حسنعلی منصور پیدا کرد مریم مؤمن به انقلاب هر د زحمتکش افعا و افعا معات بارز این در دهه هشتاد است تأثیر از داده بوز صفات انسانی برخوردار بود صفات برجسته زیاد داشت (صحیح است) او همه ما متأسفیم بر توأم هر کاتبین ولی هماطور که عرض کردم برای اینکه آن کوتاه نظرانی باشند که در این قبیل تحریکات و نین نتایج تائب و سخره بازیها در دنیا امروز زیاده و دیگر نمیتوان ملت ایران را بسبق بر کرده اند (صحیح است) باید گفت برنامه ها ادامه دارد.

ایران یک برنامه ای دارد که طرح این برنامه هر بزرگی مثل شاهنشاه است (احست) ملتی مبارز و شیرو و فیهده و بالرزش وجود دارد کمیشتیان این برنامه های انقلابی هستند در دوزش بهمن روز آرزو کرد که برای خوشتران دادند که همواره پشتیبان این برنامه هستند که ما وقتی پشتیبانند خودمان میرویم پیشتر که بر راستی وضع توده های زحمتکش ملت طرف این چند سال بقدر تغییر کرده است اجتماع ما، اجتماعی است که در آن همین برنامه های انقلابی ، کلکی دو کس شده است آری یاستی این آرزو را بگیریم که این انقلاب پیشرفت بشود همه مردم ایران پشتیبان این برنامه هستند شاهنشاه در یاستی بهشمن اشارت فرمودند ما این سو خفد ناجوانمردانه فرمودند : «مگر منور چه کرده بوجز اینکه در اجاری هقوای انقلاب شش بهمن تمام با یکی و صدیمت روزی ۲۵ ساعت کار میکرد غیر از اینکه برای اجاری این ۲۵ هائی قضی قیافه های جدیدت تمسلی کرده و متخصمین دستگزار جمع کرده بود و روح هنکرای

در ششمی و سازمان صحیح اداری اتخاذ کرده بود و دستهای شاهنشاه که خیلی خوب ناطر اعلا هم هستند و میدادند چه کسی خدمت میکند چه کسی زحمت میکند چه کسی در دستگزار است و چه کسی کار میکند بنظر من بزرگترین سنده تقبیر این شهید بزرگ در انقلاب است (صحیح است) من این طرف نمایندگان متفرکه که بنده مأموریت داده ام این خدایه بزرگ که بنده دوستان منمور ، بستگان منمور ، یاران منمور ، نایب منمور است و اینها جانی میگویم همه ما همه مردم پشتیبان این هدف عالی و بزرگ هستند و با نام فوا کوشا شاهنشاه انقلاب مقدس ششم بهمن که منمور شهید را آن دستهاست که بنیجه نهائی برسد و آئی از این راه با نواخراجم استناد (احست) و بدولتی که در حقیقت همان دولت منمور است و صالحان آهای هوردا با ن دوست میمیی منمور هستند و همیشه و همجا با منمور بود اند و از مهر زمان راه منمور را ادامه میدهند اطهرین مدیه منمور ما با افعار عالی منمور آتونا بود و هستیم و شما یاران و همکاران منمور را خوب میشناسیم و المینان مدیه ما تمام فوایشان شما خواهیم بود . امیدوارم روز بروز آن هدف هائیکه منمور داشت بدست شاموشان و یاران عزیز منمور به پیشتر برسد عرض دیگری ندارم (احست).

رئیس آقای رامید بفرماید

رامید - هر روز ازواج جدید بر سه وجود من - آتند و هر دقیقه هزاران نفوس با یک روش و طریقه برای دیگر میشتابند در دوزش که از همه چیز چشم پوشیده رفته الفت را از همه کسی کهبخته جز منشی خاک از خود نهانند و با کار نسیگداند قطعات انسانی کسانی چون منمور از دفتر خضران زوده نشده منمور خلوعا ز زمین ویرجسته فوایب نانش نسیگدانه شده ایشان چون منمور کسانی هستند که با نور وجود خود با امتیاز شخصیت خود توانسته اند بنحوی در زندگی اطرافیان ، دوستان ، پیران و ای با سلطنت خود مؤسّر باشند (صحیح است) این چنین وقت و فقدان چنین شخصیتها ممتاز باشد خاموش شدن شرم منمور ، برای همه کسی محسوس است شاید کسی باشند چون منمور که مدتی امور سیاسی با مقیدمدت شادروان اختلاف عقیده داشته

باشیم ولی با همان احوال نمیتوانم از واقعیت شخصیت ، درایت ، لیاقت ، صراحت ، بلاغت ، سلامت و آهمه مدیریت و کفایت منمور تجلیل کنم (احست) استواری و پایداری فقدان بزرگی از اشک حسرت خود جلو گیری کنیم وقتی خبر درناک در گذشت منمور را بمن داده ام اختیار یاد شمر اسکندریا بلیله اقدام متأسفانه در ترجمه ائی واقعی شاهکار نویسنده گان و شعر آهنگنان که باید نامی بی معناد و ولی کسی گفته اند که خود احساس کردم گفته اثر را بنفاری بازرگ کم میگوید :

« وقتی ترکس مردم گلها باغ همه نامه زد از جویبار باخترد نظار ما می برای اشک به آنها وام بدهد جویبار باخترد گفت منمور آنقدر ترکس را دوست داشته ام که اگر تمام آبهای من به اشک تبدیل شود از چشمانم جاری کردد باز کم است گلها گفتند مگر توهم ترکس را دوست میداشتی گفت چگونه ممکن بود کسی ترکس را دیده باشد دوست نداشته باشد »

چگونه ممکن بود منمور را شناخته باشد و دوست نداشته باشد (احست).

رئیس آقای دکتر ختیبی بفرماید

دکتر ختیبی - بنده قیام با همه سر استیساگراری خود را بنشیندگان محترم فرا کپیوهای مستقل، مردم و مفردین تقدیم بکنم معلوم میخود در مسائل مهم مملکتن میگویم که اختلاف نظر بسلیقه بنفیدهای در مجلس شورای ملی نیست (صحیح است) او همه ما هر هری اعلیحضرت شاهنشینان با هم در هدف فوایب پیکناره میرویم در ارتقاقت بنیجه هستی با آنسر بلندی و عظمت ایران است (صحیح است).

عود و چون چه با تش شوند

هر دو یک با جای خاکش شوند این صورت هر دو یک ناستند در صفت فرق فراوان ناستند همه دیر با زود خواهیم بر دلی مردن با هم فرق دارد که چه از هرمانی چیزی نمی فرقی دارد مانعی با مانعی ای با کسی مردو کسی که شد از حباتش مدعی با مدعی

ایساک سردرد می کشی سوخت
جز در یک چند بیار همدی
لیک از فندان یک مرد بزرگ
عالمی کسریه بسمر کن آدمی
لاجره درمگر که مردان بزرگ
گفت باید ای دریا عالی

آرزو داشت خداوند اینقدر بین قدرت بیان بیاد
که بتوانم اندکی از بسیاری هم درونی خود را در بیان
محبیت دلوسو بیان کنم. حادثه آفند بزرگ و غم انگیز
و احوالدهار است و ناثر همه ما آنقدر شکر و عینق که
هیچکدام با عیاری قادر به بیان این تأثرات باطنی نیست.

این سخن آباستین بیخاسم است
بر نیاید آنچه در قدر دل است
گر بگویم میشود پوشیده تر
نطق صوت آنرا کند چیده تر
سوز آنرا کند منگبیر
با ز آه صحرگاه من مگیر
حرف و نطق و صوت را بر هم زدم
تا که ای هنر با هم تا تو دم زدم

بطوریکه تصور نمودم از نظر خودی توأم با
سعادت افتخار ابدی بود زیرا او در راه ایفای وظایف
ملی و خدمت پادشاهانه کنوز خویش در مقابل خانه ملت
کشته شد و خون با یک یکن زینت، ششید که پس از
امپراطور نصیحتن تیر چگونگی بر زمین افتاد و پیتانی باستان
سبب نشواری ملی ناپا فکرمی کشم که او در قافله بود درک
بازبینی من خواست بدینگونه به مجلس مقدس که خود از آن
برخاسته میبستند نغش زبیری نشسته بود ادا احترام کند.
این چنین گفت آن حکیم برهادی
سر ما بجان که به سباه خودی ای

شهادت منصور نامتلمت ایران را از خرد و بزرگ و غنی
و فقیر و شهری و روستایی افتاد و مصیبت زده کرد و باید
گفت که در حقیقت یکتو عالمی بود و او در مراسم استیضاح
چندازه و احساسات و ایسواصیانه اکثریت عظیم مردم تهران
را همه پیشتر بدیده بودیم که چگونه مرد وزن هم می نای
میکردند و میگردستند. در خبر ستها هم همین احساسات
غم انگیز حکمفرما بود. این حوادتهای ایران را نشان

داد و معیوبت کردیم. درین دارم که بیش از همه بر شخص شاهنشاه
که مظهر عالی ملت ایرانند گران آمد (صحیح است)
منصور در آثار خدمتگرای پادشاهانه و کشور، در آستان
خانه ملت در اوج شهرت بود. ایام مقدس مذهبی و ملی در
چنین شرایطی دیده از جهان خاک فریبست و به عالمی
آنوقت رفت که همه ما در پی زود خواهیم رفت
هغه راهی جهان ادرست

بجز مرگنگاه از در دیگرست
این سعادت عظیم کمتر ممکن است نصیب کسی
بشود و پیشتر منصور آن جوان با کدل و با ایمان، مورد دعوت
خاص پروردگار خود بود که با چنین سعادت شربت شهادت
نوشید و از این جهان رفت. از این جهت خود او، اما از
نظر ملت ایران بیادست که ضایعه شهادت منصور به آسانی
جبران پذیر نیست (صحیح است).

فرهنا باید که فانیان کبودگی آرزوی طبع
عالمی گویا شود یا فاضلی صاحب سخن
سالمها باید که فانیان سنگی ز آفتاب
لعل گردد در بختشان بافتند این

سیر و اخلاص و درستی با بدو عمری دراز
تأقرین حق تو شواصحققرانی درین (احسن)
هر کسی از رنگ و کنکاری بدین روزگی رسد

دره نباید سر سوز و مرد باید کامزن
بسیار عوامل و سببها در عقمان از دست خاندنم کنکاری
مانند منصور در جامعه ای پیدا شود و رشد کند و بشود
برسد. این شرایط زود آسان در یک مورد جمیع نیتند.
منصور از یک تربیت خانوادگی عمیق برخوردار بود. او
ملکات فاضله اخلاقی و صفات عالی انسانی را در دوران تربیت
و در مادر خود او مستوح و در ثروان خود او گویا خود ایسان و
تقریبی پروردگاری و مورد نوزند گانی امری و زوی پادشاه آنستاد و در
عین حال استعداد ذاتی او نیز کم نظیر بود. هوش و درایت
صفای باطن و بصیرت، مهر و محبت، علم و معرفت و روشن
بینی و حسن لیت، قدرت باطنی و کوشش و فداکاری و درون
خدمت، تواضع و ادب همه را با هم جمع داشت (صحیح است)
و شما نمائیدگان ما محترم مسلماً سدید میفرمائید که در
آئینم گویم چگونه همه ساله و اغراقاً نیست (صحیح است)

چون او همیشه خندان بود و دست داشتنی و امیدیش بود.
صداقت و نرمی گفتار و جزبه جوئی او هم که با احترام
و تعظیم و ایستادگی با چنانان تربیت خانوادگی با یک چنین

لیاقت و استعداد ذاتی دارم آمیخت و حسطنلی منصور را در
عنوان جوانی آماده خدمت بمملکت ساختند. اینجا البته
عامل سومی نیز ضروری بود تا مجال خدمتگرای
و نشان دادن این استعداد و لیاقت برای منصور
فراموش نباشد. این محیط مساعد نیز میدانم که برهبری
شاهنشاه ایران و دینکار و دربارت آن پادشاهی با عقیده نه تنها

برای منصور بلکه برای هر فرد وطن پرستی که فصد
خدمت بمملکت خود داشته باشد از پیش فراهم شده بود
(صحیح است) کوشش و تلاش بی نظیر شاهنشاه امروز میدان
کار و فعالیت را برای همه کسی کشوده (صحیح است) که
بناست سیاسی کشور و وجود آمدن امکانات کافی را
ملت را بسوی ترقی و تکامل بسوی هموار ساخته
(صحیح است) وجه مانع و راز برای خدمتگرای
انسانی وطن دیرمان نیست (صحیح است) شاهنشاه در چنین
محیط آماده ای منصور، جوان لایق و خدمتگزار و
آماده کار کارگر گرفتند و او را مورد کوشش راهبرده گفتند
اوسیرند منصور روزی که بر سر کار آمد می دانست که

چهباید بکنند از سالها پیش مطالعه کرده و برنامه کار خود
را منظم ساخته بود با آنکه؛ از هر چیزی شاهنشاه و پشتیبانی
مجلسین و ملت و همکاری حزبی با ایمان و بصیرت که خود
بیتان گذران او بود. بکار پرداخت و همه دیدیم که در این
مدت کوتاه ران خود را با کامهای شرمده (صحیح است) و
منظم و بی عطفه و بسا سکونت خاطر و آرامش باطنی
که از ایمان او به نتیجه کار تیر و میگرفت ادامه میداد
موازه گردیدیم که با همه مشکلات و دشواری کار که با آن
روبرو بود و سنگینی ساد مسئولیتی که بر دوش
داشت در اضطراب و ناراحتی یا سببهای امیده اطمینان

بخش و امیدوار کننده بود. او در کار خود شجاع و مصمم بود
با همه آدب و فروتنی یا فاطمیت و قدرت عمل میکرد
درستان زیاد داشت. اما مصلحت مملکت را بر دوستی مقدم
می کرد. در عقیده خود با ایمان و راسخ بود. در تیر و دودلی
در تیر و انداخت. هر چه را در هر هی و کراهات را
عدایت میکرد. چنان زیست که چون در گذشت تنها
خود را از بند لایق مشکلات این جهانی رست اما هیچکس
نیو که از او رسته باشد.

با همه خلق جهان گره از آن
بیشتر کرمه و کوشش برهنه
تو چنان زنی که چو مردی برهی
نه چنان سوز تو بمیر برهنه (آفرین)

با داری که وقت زان تو
همه خندان بدند و تو کریان
آبیمان ز کوه وقت رفتن تو

میتوانیم با تو بخندان (احسن)
منصور حقیقه، صدقاً و اقریب این سخن بود. خدایش
بیا مرز او که یک جهان دوستی و صفا و مصیبتی را با خود
بدرود خاک در فراموش نمی کشد در آخرین دقیقه که
در آستانه کشته شدن او، ایستاده بود با هرودا دوست دیرسری او
در حالیکه هرود در دریای ازغم و اندوه غوطه در بودیم
برای تسکین خاطر سخن می گفتیم. بدین معنی هرودا اینطور
رویدادها گفتیم، کلماتی مجابی او گفته میشدیم و او برای
ملت باقی میماند زیرا برای از یک طرف هرودا دوست و برای مملکت
برپا داشت از ما ارزنده استوار طرف دیگر ما هیچکدام
مخلوق خدایان و کسینگی نداشتیم و این راهی بود از دین کمال

شعور و صفای باطن گفتیم. البته هرودا شاید در اظهار
این سخن جانب دوستی و بیطرفی را که با منصور
داشت در نظر گرفته بود که او نیز در لایق و کلام آماده
خدمتگرایست (صحیح است) و از کسینگی و دلایل این بیانگی
آنستکه شاهنشاه از میان حاکمان منصور او را برای ادامه
اجرای اربانه های مقدس دولت گذشته که بر بدنه هر حال
چند ساعت بعد منصور در گذشت مرگ او را میخواستیم
و دستاویز با تیر و کوشش منصور بود. می توان بدینطرف
که او اینگونه بی گناه و بی دلیل از میان رفته باشد.
کوشم اول که این خبر بشنود

بروانش که استوار نداشت
هر کسی که کدل بساد دشت
فکر دل در مرگ او فکرت نداشت
تیر آرزوی زنگه تر
کلام مرا کیش خاز نداشت
هیچ میدان فضل و مرگ علم
نکابت چون او سوار نداشت
دل از مرگش اعتبار گرفت
که از این مشتاقان نداشت

بهر صورت از ازمیان ما وقت یاد آن دوست از دست رفته بخیر باد. دروقایع آخر حیات به اشاره چشم، پزشکان معالج خود رو خواست تا از کسانیکه برای نجات او تلاش می‌کردند بودند با اشاره و تقصیر دست میساکراری کشید. آخرین نشانه حیات او همین میساکراری بود، و اینها لوح اودر آن جهان از این حق شناسی شاهنشاه ملت میساکرار است. امرا و حاکم کلودر میان مینست باید بگویمش تا باوش زنده بماند و این نخواهد شد جز آنکه دهفای او را در این بهمن رساندن انقلاب شاه و مردم با نیروی بیشتری دنبال کنیم (صبح است) و با وحدت و یگانگی دست‌بندست هم بهدم و زلفاق و بیگانگی که بزرگترین سداغرفه فداییان است. (صبح است) عیار اغراض و امیال زود گذرند این جهانی را از آینه دلهای زار بدیم. خدمتگزاران را تا سهندند ترویج کنیم از خدمت‌حضورری گویند. اشتباه‌های نرفته که سپارزدیاست و پرورش همی و از شاهنشاه خود سرمشق بگیریم که آفتاب وار بر گل و خار بکسان میثابت.

من همیو خاک خورم و نو آفتاب و ایر

کها و لاله ها هم از تربیت کشی

این استمدادها باید مجال بروز و ظهور بیابند. ملت ایران بمتصور های زاری احتیاج دارد. مجلس شورای ملی باید بگوید تا افرادی نظیر او بازم هم برای خدمتگرای آماده شوند و برای این ملت که همسایه پذیرفتن هر گونه تحول درجهت پیشرفت هدف های ملی است زمینه کار و فعالیت فراهم کرده. تا چیران گذشته بنمود کشور ما آینه‌دوختانی که درخورد تاریخ افتخار است. بدین شرح شاهنشاهی و تمدن کهنسال اوست در پیش داشته باشد. عرض‌ها را از دل برانم و قدر یکدیگر را بدانیم.

بیا ناقد یکدیگر بدانیم

که تا بازی زبکدیگر ننمایم

کرومان جان فدای دوست کردند

سگ بگذار سام هم مردمایم

فسون قل اعزون و قل هوالله

چرا در پیش یکدیگر نضوایم (احسن)

غرضها تیره دارد دوستی‌ها

غرضها چرا از دل زاریم (آخرین)

چو خواهی بدمر کم آشتی کرد

که عمری از غمت در امتحانیم

کون‌بندها مردم آشتی کن (احسن)

که در سلیقه ما چون مردم گانیم (احسن)

نو که خواهی زدن بوسه بخاکم

زخم را بوسه زن آکون همانیم (احسن)

درد سرد ندم سخن کوتاه نمیشود. این با سخنان

خوش نماند هر دول های ریش نیشم و بنیخان اندوسخار

حال دوشان نخرانم شرح غم و مصیبت منصور پایان

یافتنی نیست. باید در دهفای مثبت الهی سر تسلیم زورنا

فرود آوریم و جز این مرگ منصور را چگونگی می‌توان تحمل

کرد.

مگر آن مرگ می‌تواند چینه ذکر باده بیاید

گره از کار فسرور بسته سام هم بکشاید

ورنه ناچند در این سیاق توان بودن و دیدن

که کلی تا شکند یاد خزانست بریاید

راستی این تم مرگ است و غم مرگ عزیز

که مگر مرگ خود این گرفتار آزدل درزیاید

صبر بسیار بیاید پندیر فراق را

تا دگر مادر کیتی چو تو فرزند زیاد

(احسن - احسن).

۳- معرفی هیئت دولت اعلام بر نامه یوسله آقای

امیر عباس هویدا نخست‌وزیر

و رفیق - دراد دستور می‌نویسم آقای هویدا فرمایشی

داشتند بفرمایند.

هویدا (نخست‌وزیر) - مقام ریاست. نمایندگان

محترم مجلس شورای ملی در این موقع که بفرمان‌الاحدی حضرت

هایون شاهنشاه افتخار تشکیل دولت خدمتگرای ملت

عزیز ایران به‌ایشانجا معول گردیده با استظهار و اکتاه

بزیوجات و همکاریهای ارزنده نمایندگان محترم ملت

ایران برای تقدیم برنامه دولت و معرفی همکاران خود در

ساعت مقدس مجلس شورای ملی حضور یافته‌ام. اجازه

میخواهم که مقدماً عرض کنم در این جلسه شروع کنم

با خدمتگزاران ملتک با هادمان همکاران منصور و

همان برنامه و همان استظهار همکارهای بسیار ارزنده

قوم مقتضه ایران در راه پیش‌رساندن انقلاب شاه و ملت

تیسار سیهب نمندالله عبیری مایان نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

امروز وزارت دارایی را نیز شخصاً عهده دار خواهم بود.

مختصاً به استحضار میرساند که معاونین پارلمانی وزارتخانه‌ها که در دولت منصور بمجلسین معرفی گردیده بودند کماکان وظائف خود را انجام ندهند.

چنانکه نمایندگان محترم ملاحظه میفرمایند اعضای این دولت همان اعضای دولت منصور هستند زیرا

این دولت نه‌زبان برنامه‌ایست که حسنعلی منصور نخست‌وزیر شهید در اواخر سال گذشته بمجلس شورای ملی تقدیم داشت که بنسب نمایندگان محترم بمجلس رسید

نخست‌وزیر قید ملیت کوهانی که فرمان شاهنشاه و پایتختیایی مجلسین مسئولیت اموردولت را بعهده کفایت

خود داشت توفیق حاصل نمود که تحت رهبری شاهنشاه در اجرای برنامه‌های خود که متکی باسولحرف‌های

ششم بهمن و منشورهای انقلاب شاه و مردم بود کلهای بلندی برآورد.

منصور اقتضار داشت که درایم خدمتگذاری خود منشور سیاه‌پهشت را که از ابتکارات شاهنشاه است بموقع

اجرا گذاشته و همچنین لایحه سیاه آبدادی و ترویج را در اجرای شویات ملوانه بقوه مخته تقدیم نماید.

منصور از اولین زورختمندگماری توجه‌کامل خود را بسبب توسعه اقتصادی کشور مطوف کرده بود و برای

این هدف برنامه رونق اقتصادی را تنظیم و بموقع اجرا گذاشت و آنکه همیشه با سداقت و موصراحت خلص خود

بیان میکرد که اجراه برنامه‌های جامع مملکتی مستلزم زمان است مینماید همه ما شاهد نتایج درخشان نامعروف

اقتصادی او از حیث بالا بردن سطح اشتغال و رفع بیکاری و ایجاد فعالیت‌های ساختاری دروق دادوستد سایر مظاهر

برنامه رونق اقتصادی او هستیم.

منصور برای برقراری یک سیستم صحیح مدیریت و بهبود وضع اداری کشور و هماهنگی ساختن دستگلهای

وهدی و تفکیک وظائف سازمانهای مربوط برنامه‌های جامع تنظیم و مملکتی ارزنده مجلسین بموقع اجرا

گذاشت. تشکیل وزارتخانه‌های آب و برق - آبدادی و مکن - اطلاعات - فرهنگ و هنر - آموزش و پرورش از

تیسار سفر حاج حسن با کروان‌وزیر اطلاعات

جناب آقای دکتر مهندس منصور روحانی وزیر

جناب آقای دکتر قاسم‌زنی مایان نخست‌وزیر.

جناب آقای دکتر غلامرضا نیک بی مسوان

نخست‌وزیر.

تیسار سفر حاج حسن با کروان‌وزیر اطلاعات

جناب آقای دکتر مهندس منصور روحانی وزیر

جناب آقای دکتر قاسم‌زنی مایان نخست‌وزیر.

جناب آقای دکتر غلامرضا نیک بی مسوان

نخست‌وزیر.

جمله اقدامات نامربخش است. همچنین روش و نظم و نوعی را در تنظیم بودجه کل کشور برقرار ننمود و برای اولین بار لایحه بودجه که شامل بودجه عمرانی و مشترک بودجه سازمانهای وابسته بدولت بود واصل جامعیت بودجه در آن ملحوظ شد و بودجه مجلسین تقدیم نمود.

تقریباً نُه ماه در کتب نیاز کشور در سال جاری یکی از بزرگترین اقداماتی است که منصوص بودجه خدمتگاری خود بعمل آورد. نمایندگان محترم ملت بخصوص استعمار دارند که به ملت خشکسالی چه خطر بزرگی کشاورزی کشور را تهدید کرده بود. منصور با توجه به سی و اتمام موفق شد که از اصفی نقطه جهان دول بود نیاز کشور را فراهم کرده و با کمک هکهاران صدیق خود بشیرها و دستوراتی کشور برساند منصور با الهام از منویات شاهنشاهی استفاده از منابع پر انرژی طبیی کشور را که تنها طریق قابل بهره بردن رفاه اقتصادی است تسلیمن خود ملاحظه نمود. هر موط به استفاد از قوت و حیلات جنوب و نوسه منابع پیشرویش و ذوب آهن را سرلوحه بررسیها و اقدامات اقتصادی قرارداد و لایحه الحاقی به قرارداد نفت را که در مبدین تأمین منابع زم آبی بیشتری برای ملت ایران بود و همچنین تقدیم کرد و موافقی که یکی از بزرگترین لوایع اقتصادی مملکت یعنی لایحه راجع به اکتشاف بهره برداری از زینش ۶ از بخشهای نفتی کشور در خلیج فارس، اقیانوس و اقیانوس هند و بر روی مقدم قرارداد های جدید نفت به خانه ملت میآید در آن آستانه مجلس هدف نیز شاهنامه اول کشور پس از شش روز تمدن ساز بود در سرانجام در آخرین ساعات روزمجلس ششم همان ماه جان آفرین تسلیم دور اجراء هر برنامه ها و خدمتایش به شهادت رسید. این منبک در مقام آن چشم که خدمات منصور و لوایع عظیمی بود که برای بالارسان کشور بدین کانی مردم ایجاد یک اقتصادی و صحیح مجلسین تقدیم داشته و خدمات مؤثری را که انجام داده است فهرست کنم. نمایندگان محترم مجلس خود بخوبی در جریان کارها هستند و بیشتر از من بدختمگر از بی شایان من نامستور بزرگان جوان لایق که در دوره کوتاه تصدی خود با انجام خدمت و وقوف دارند بلکه میخوانم بر من نشانندگان محترم برنام که در وقت دولت منصور یک برهه به اتفاق و مسالمة

شدمهزی بر اساس احتیاجات واقعی کشور و تأمین مساعدت آینده ملت ایران طرح برزی شده. اینک این دولت همان برنامه را بتوانان برنامه کار خود مجلس شورای ملی عرضه نمایند.

این دولت نیز استظهار و پشتیبانی مجلسین با طایقتی تام و عزیز است زیرا منموز بورا و اجراء خواهد گذاشت و در این راه از هیچگونه خدمتگزاری و فدائری دریغ نخواهد داشت (استظهار و افاق با اینموز درختان خود را در اجراء هدفتی شاه و ملت نهایت اهتمام را بعمل خواهد آورد و برنامه های جامع مملکتی را که بتفصیل در اینموز شرح خواهد داد (احتساق آفرین.)

اکنون که در مساحت مقدس مجلس شورای ملی هم میسر باشد که در مقام از دست رفتن بودای سنگین اجازه میدام این آبادی زریه ذخایر ناه همه مازادانکم میکند. اما وقتی کمترین کم کشور برسرهای ما گذاشت هرگز مردم قلیت و یاد او وسیعی و بهره رهنمودت یافته و دست داشتی او هیچگاه از آبریز چشم و خاطر مانحو دور نخواهد شد. این دولت همان دولت حزبی منصور است که بهماناره انبلیضرت شاهنشاهی و میثاق ایران از رعایت و حرق ششای از خدمت آن خدمتگزار از دست رفته روی کار آمده است جای منصور همیشه در میان ما خالی است ما بر نامه های شمرش بر میسود او را ادامه میدیم و راه او را می بینیم. بر نامه های مترقی حزبی او را می شناسد الهام و امیدواری است. اکنون که هر چه بود ارزنده او بظاهر با مایست ولی در حقیقت و باطن همیشه هراس ماست و در اینموز یکبار خودمگر از بی شایانمزلت از او سرسخت و الهام میگیرم.

در اینموز با تقاسم قیمت و طریقه خود میدام نخست مرابستیساکر از خویش و دولت و با ایهیستامیلابضرت هایدون شاهنشاهی علی حضرت فرخ پهلوی شهبانوی ایران

واعضای خاندان جلیل سلطنت تقدیم کنم. شاهنشاه در هنگام بستری بودن منصور وین مکرر در برایشان تقبوت بر وجه این خدمت وزیر فداکار و خانوادومری غایت و مرحمت بی اندازه مدبول داشتند و پس از درگذشت او نیز با اظهار قدرتشای عمیق و ذکر خدمات سادهانه نخست وزیر قدیموچنانستیق و دلگرمی و امیدواری همه خدمتگزاران را فراموش نمودند.

میسانه بود که در غایت ما یکسری نعمت وجود شاهنشاهی را برای ما باقی و پایدار بدارد. شاهنشاهی که درام ملک و ملت و تمام مملکت بوجود مقفی او بسته و پیوسته است (صحیح است.)

ثانیاً از تمام ریاست معظم مجلس شورای ملی و نمایندگان محترمی که امروز صحبت فرمودند و در این مصیبت غمناکتر میمانند همدردی و یکلکه عزاداری کردند فخرکشان و همچنین عموم افراد ملت ایران که در این مشقة بستان خود بخوابند قدر خدمتگزاران واقعی خود را می شناسند و بخصوص مردم تهران با احساسات تأثر انگیز عمیقی که در روز تشییع و ترحیم ابراز داشتند با کمال فرخندگی و ادب و با همان توماسی که از خصائص اخلاقی نخست وزیر شهید بود میسایر میکنم.

منموز با مساحت زیست و با مساحت در گذشت او بمذبح مقدس خود بدین مین اسلام و آئمه اطهار بخصوص پیواری شیشای علی علیه السلام کالی ایمان و عقیدتمقلی خاصی داشت و در خدمتگزاران و شاهنشاه و هوطنیان خود با ایمان و عزمی راسخ کر حکمت بوده بود. علاقه قلبی خود را به انقلاب شاه و ملت روز بروز بی ششهم منموز و تأثر بی شکرگی که فی این روز بزرگ به اراده شاهنشاه در زندگانی ملت ایران بوجود آورده بود پیوسته بر زبان میآورد و در کمرش خلبانه یا خندان بود که نیز بر این بزرگه یاد میکرد مشیت خداوند بزرگ نیز بر این فرار گرفت که مقارن روزهای شربت خوردن و شهادت مولای مقتیان او نیز جان خود فدا نماید و در آخرین ساعات روز ششم پهن ما جان بجان آفرین تسلیم کرد با شد تا یاد او با پیوستن این روزهای عظیم دینی ملی برای همیشه در خاطره ملت ایران باقی و برقرار بماند (احتساق).

رئیس - معمولاً برنامه دولت طبع و توزیع میشود و موافقین و مخالفین نامنویس میکنند در جلسه بعدوی آنها اظهار نظر میکنند ولی چون این دولت بر برنامه های وضع فوق العاده استثنائی دارد بطوریکه نه بر برنامه دولت تغییر کرده است و نه اعضای دولت تغییر کرده اند ممکن است اگر هنگامان محترم مساحت بداندن بر نامه دولت در همین طراز بود مگر آنرا قرار بگیرد (صحیح است) آقای سر نمایندگان فرمائید.

فخریطباطی - عرض کنم باقر شاهنشاهی که مقام ریاست مجلس شورای ملی فرمودند برای بنده مشکل است صحبت کردن خاصه با تأثر عمیقی که همه ما از مصیبت و این ضایعه دارم ولی راجع بر برنامه دولت ندنه علی الاسول اعتقاد دارم و همیشه این اعتقاد خودم را در هر موردی که بنظر می رسد است در مجلس شورای ملی در کمال اخلاص و باور و برای نهایت علاقه و دلوسری بر من رسانیده ام و هر چه در اینموز که جناب آقای دکتر خطینم در بیانشان اشاره کردند ما همه دنبال یک هدف هستیم هدف ما انتحالی مملکت خدمت بریزم سلطنتی مملکتی بشیرت افتور امور ایران عزیز است که همه ما علاقه مند هستیم (صحیح است) در مسأله های دولت بدستفکر میکنم اگر این استدلال را بغیریم که چون در همان وزراء سابق هستند و برنامه هم همان برنامه سابق است بنیاس این بایستی قرائع خوبتر از اینکه اسلام لازمانند رأی استادی بدولت بدهیم (عدای از نمایندگان - صحیح است) پس وقتی کلامی را بغیریم که چون در همان دولت بوده اند که ما مدیانبی که قیافه همان وزراء سابق هستند با این تفاوت که سابقاً با یک روح پرشاهی انبلیضرت بوده و امروز همه را مقوم و مهوم و مینویس ولی در هر حال دولتی است بایستی روی برنامه او بحث میشود و باطن او که کاروانده صحبت میشود بعد نسبت بدولت رأی اضاکار گفته بشود این خلاصه عقیده بنده بود البته تصدیق بسته بنظر آقایان است هر چه نظر بدندان البته برای ما لازم الاتباع است بنده دیگر عرض نمی نادم.

رئیس - آقای کیهان بفرمائید.

کیهان یغمانی - یکسب اجزاء از مقامهای سلطنتی مجلس هنگامان محترم بیان شده اند عرض کنم که جناب

بگذریم در مورد آییننامه مجلس و اینکه رسم بوده است که برنامه دولت طرح و توزیع شود و در جلسه بدین پس از مطالعه برنامه نمایندگان در مجلس محترم مجلس شورای ملی بدو ملتزم باشند فلسفه اینکه در خود مقررات مملو و مستطام است یعنی برای اینکه بک دولتی که تازه سر کار می آید در مملکت از برای آمادگی و رویه جدیدی را میخواند و مملکت ارائه دهد درباره چنین دولتی و چنین برنامه ای نمایندگان محترم مجلس در وقت نشاندن مطالعه فرمایند و با علم اطلاع بحیران امور مملکت رأی بدهند این اصل برای همه ممالک القبول و واجبات احترام است (صبح است) و این یک درای مورد بخصوص در اینکه دولت جدید آقا خواننده را کوزیر دارائی کابینه قبلی بودند سرحد دوکله اعلام کردند که من مجری همان برنامه کابینه منصور هستم برنامه ای که مجلس شورای ملی در یک اتفاق آراء ضروب کرده برای برنامه ای که موقتاً تا بحال مصدق اجرا شده است (صبح است) (صبح است) که مباحثات و امضات خودی را در طی دو سه هفته نهایتاً بنجلس شورای مینمایانند و در این باره برای سبب و کفایت تعادیم بحال سابقه نداشته و برای اولین مرتبه است خیلی عادی است دولت همان دولت برنامه همان برنامه (مرتضی) و این مجلس حاکم است بر هر روستی عرض کردم بنده روی جهت عرض شما عرض نمی کنم در رأی میدهم چون در برنامه دولت میخوانم صحبت کنم.

رولیس - این بستگی به رأی مجلس دارد هر طور که مجلس تصمیم بگیرد همانطور عمل میجوید.

کیهان یغمانی - این یک چیز استثنائی است تا بحال سابقه نداشته و برای اولین مرتبه است خیلی عادی است دولت همان دولت برنامه همان برنامه (مرتضی) و این مجلس حاکم است بر هر روستی عرض کردم بنده روی جهت عرض شما عرض نمی کنم در رأی میدهم چون در برنامه دولت میخوانم صحبت کنم.

رولیس - با این نظر نیز از آقای فضل طباطبائی مخالفی هست؟ آقای صادق احمدی.

صادق احمدی - بنده هم نظر آقای فضل طباطبائی را تأیید می کنم و عقیده دارم که اگر طبع و تئوریت نبود اصولی تریش میروم.

دکتر آفستدیا - در لوائح دوشوی که آمیختن خیالی از برنامه دولت گذشت است وقت بیست و چهار ساعت داده میشود در این مورد هم باید غایت شود.

رولیس - آقای خواننده یوری.

خواجeh نوری - البته نظر مجلس شورای ملی و نظر دولت همیشه احترام بمقررات و قوانین جاریه هست و ما خودمان سرچشمه قوانین هستیم و باید هم بقوانین احترام

دکتر مهندس بهبودی - بنده مخالفم و اضطرار نشاننامه ای دارم، اول باید مخالف صحبت کنید موقوف، **رولیس** - آقای کیهان یغمانی شما موافقت با مخالف؟

کیهان یغمانی - بنده موافق مشروط هستم.

رولیس - کسی مخالف است؟ آقای آقا پاننده.

پاننده - بنده همیشه تسلط دارم که در میان موج کلمات گاهی گنج میوشوم کلمات مثل اینکه در کلماتی برای گفتن آنچه مافکر میگویم احساس میکنم ندارد به مقتضای دولت سابق دولت لاحق و اینکه دولتی رفت دولتی آمدند موردی که مباحث همان اندازه

ممکن است صادق باشد که بر این بویزند مرحوم هاشم هشتمی رأی آقای نائب. واقع قضیه این است که بکلیتر شوم در آستانه مجلس در آستانه ناهتمل صد کار دواست میسر است انقلاب بخون خروشد تطبیقه صد کار انقلاب نیایشی خالی بماند سرزای دیگری و صد کار آنگاه سرزای در آن سنگر نشسته و اولاً بنده اعتقاد دارم که دولتی رفته که دولت دیگری بیاید سرزای جای خودی را هم سرزای دیگری داده دارد خبر روزنامهها میخوانیم که مشعل آلمییرا از آن زن در بندته تو گوید میهد میر نظر امانی مشعل را اینقدر نمیتوانم بنیاده بردیختی آقای کیهان یغمانی که خوب را میبایدی بلد است اما چند گلدن متر بیشتر

نمیواند ببرد در کجهان یغمانی. جنابایم بالاخر موافقت میبایست (مخالفانه) ولی بنیت منم که عرض نمی کنم دیگر

تخصیص مخالف با موافق با مقام ریاست است (یکسنگر نماینده گان موافقت) نیتانم شاید هم مخالفتم کسی

سیر بفرمایند بر حال آن چیزی هست که عرض می کنم. این عمل از ایجاد و اینطور که شنیده ام کسی بدست

میگیرد میبود یک قدری که خسته میبود دیگر میمید. تا او هم خسته گردد تا بالاخره میرسد بنده تو کیو میادارم

این عمل منتهی تحویل و منتهی انقلابی را که داشته ام تا با مشورتش همین بدست دولت حاضرین در ماسطور

سرزای محتاطان هم در دست بگیرند تا بدست فرمایند چون در این جلسه ذکر خبر یک سرزای رفته بودند در

جلسه خصوصی آنچه را که اعتقاد داشتیم گفتیم بنده لاشل

بکم اینک سابقه طبعه کی در داد و عادت دارم که آینه داردار

ف - طرح برنامه و ابزار برای اعتماد بنده

آقای امیر عباس هونیا نخست وزیر

رولیس - برنامه دولت مطرح است. آقای کیهان یغمانی.

قلب دارم بگویم ولی آنچه را اینجا گفتیم با آنکه از نسیبکم قلی میخوانم عرض کنم چون یک سرزای ما رفته است اگر آن یغمانها و ترتیبات تصانیف کنند از این جهت جاوید که ممولار بازان جان باختند اجبیل می کنند، از این سرزای وطن هم بهمان صورت تعبیل شود که این

سنت بماند که با سنتن باطل و به سن تحول و فساد است همیشه بنده برنامه دولت قطعا و لی خواهم رأی اگر از

بیانیم بنده مخالفی نبود استنباط کرد چون بدون بنفون مخالف صحبت میکنم ولی قطعا رأی موافق خواهم داد یعنی رأی سفید نوشته و اگر از رأی سفید چیزی بیشتری

میبود رأی من آنگونه بود و اگر آیین نامه اقتضا میکرد که در دردی سفید بدهم فعلا و رأی سفید میدادم،

چرا؟ در این باره هم متنی بکسی ندادم مطلب آقای هونیا رئیس الوزرا و آقایان آقای وزیر نیست این نرات،

سرزای انقلاب بماند تا ۳۳ و ۳۴ در دستگار عالی دیده و

تأییدم جنیکیدم و انشاء الله سرزای بنده می نیوادم خودم

از موقوف میادام مثل یک سرزای از سرزایان انقلاب

یشتیانی کم (احسنت) و در این راه امید دارم فرصت

امتیازات پیش نیاید و اگر آدم میادوم فعلا مثل همیشه سرفرزای بیرون پیام (انشاء الله) در این وقت

قیافه ناریدم نداریم همه هماهلی هستند که بودند شاید

مفادگ کمتر شده بکنی با که دارم که سرزای شریف

قیافه شنیده بکنی در حوادث این سالهای

اخیر داشتند دوسریز نامور دو سرزای گمنام، نامور از

این جهت که همه انوارا مشتیبست بیکنامی آقای وزیر

اعلامات با بصورت یک سرزای خوب می شناسیم آقای

معاونت و وزیر یک سرزای بنیادته لایق این مملکت

بوده است و نقش عمده ایشان را در این حوادث هیچکس

نمیخواند فراموش کرد در این جا ترکیب دولت همان است

که بوده است (مصطفوی) از برای یاد نادران منصور هم

صحبت فرمایند آنچه بنده را که میادانت صحبت کردم

بله نسبت با نامور منوچهر سزاده ای نیوادم محضرت

میخوانم عرض کنم بنده گفتیم من متفرد هر چه هستم که

فکر میکنم در این دو سرزای مملکت گمنام (یکس از

نمایندگان گمنام هستند) اجازه بفرمایند گمنام کسی

است که خدمتایش گفته نشده باشد یا معمولاً کمتر گفته شده باشد در این مر که نفس که این دو سر باز شریف دادند. گفته کمتر شده است و اکثر گفته خواهد شد برای اینکه اینجا بناست خدمتانشان کمتر گفته شود و خوشام هستند و چون شده در مدت عمر نسبتاً دراز خود یک مقداری هم بیشتر درازتر میسازند تاریخ به تجربه ودهام که هر جا سرساز می پیدا شد نفس دیگری پیدا میشود مطمئن که حضور این سرساز شریف دیو بود قدرت و قوت بیشتری برای مقابله با مشکلاتی که متأسفانه همیشه در دنیا هست میدهد چون با کمال تألف و دینایی به مشکلات فقط در کوربر اوت هست بشرطی که دروم آید. دولت وقت تشکیل بدهد اگر دولتی آنگاه به تشکیل دادیم باز مشکلات هست بنده به این مناسبت بمخوام بنیاسبت حضور یک سرساز شریف مملکت عثمانی وزیر اطلاعات از یک سرساز دیگری که اینجا نیست و سنگر خودش را به سرساز دیگری داد است از آنجا که میدان که در این دهساله وقت واضباط و لیاقت خودش را نشان داد است یاری بکنم (صحیح است) بنابراین آنچه که عرض کردم بعنوان تزنه در هویدا هت ذر بنگانه بلکه در مملکت جنگه با قوایلاریم یعنی جنگه با پاشناربطان پاک کردن این مملکت از آنکه های قرون سلف و عثمانی علی که ممکن بود جنگه پطیانی دادارین مملکت بوجود بیارود این راننده استمن را با اجازه آقایان مکتدیام تر مملکت که ماهه انشاءالله مثل شرف برای دفاع از این زادندگی کند. درهر سنگری که نسبتاً وقاع بنده شده بدون برور بر کرد. خدا رحمت کند مادر بزرگ مرا که پلشن بی بدلی دود از خضالت خانم های مجلل سهی نداشتند کتر منووادردو بنشناسی هنری داشت (بکنفر) از درندگی کسان. درجی آقا (؟) درخشندگی دیو. او بسن میکت یک موجودی هست بنام دیو پو آتیه را که بنده از دیو بدیدام از آن مرحوم میدام میکت یک موجودی هست بنام دیو سفید و این دیو خطر باکی است و کسی با این دیو دوست بیفهمد این خطر هست که اگر یک پلظره خون این دیو زمین ریخت دیو دیگری از جایش بلند میشود بنابراین در جنگه با این دیو کشتن آن نه فقط ضحاعت لازم است بلکه هنرم لازم است. از هنر در ایران

لازم است که یک قطره خون دیگر نریزد و یک دیو دیگری باخوشد برای اینکه اگر ما یو باشد همین جور این خطر هست که این الایاد سرساز داشته باشم در جنگه خسته بشویم من بنظر میآید که هر قدر از یک باقماضیتی دارد و مرحوم مادر بزرگ من از این فقه و قوایلارینه را میبگفته یعنی ما بنیاسبت مفروض بشویم توافق باقی بدست آمده. نباید فکر این باشم که دیو سفید نامی است از این دیو سفید قلهای خوش دیو نوزائید و یکی را دیو سفید جلو مجلس تیرش صادر کرد و حوالت این اسلها ای اخیر خوب نشان میدهد که ما در این جنگه دستنوشی مغرض خوشینی مغرضی خدمتایم البته حق داریم خوشینی باغوشینی سلطه خوب یک سرساز استولی مغرضی باغوشینی مغرضی در مراحل مشکل و اگر منرا به افراق کوشی مکنید مرا حل شاید خطرناک باشد ای در این جنگه مملکت خودمان را از آنجا که میبینم این جنگه ایدی است جنگه با قوایلارینه هم نیست در کوچهای سیبل در کوچهای آغز در دم در ایران ساسانی این جنگه دوام داشته است تا فیس از اسلام این دشمنای خوشستان را در قرقر چهره باغوشین خوشستان را که حالا عریه را دبوفاقر میگوید خوشستان وطن عربی است همین دخت خوشستان را ما از خون سرسازان جنگه با قوایلاریم رنگین میبشیم تجزیرات این جنگه با نشان داده است که قوایلاریم بهمان صورت دیو سفید مرحوم هر جا که بدیدیم زانو در آید باشد شده و صورت دیگری سر درآورد پلشروایانی هست روایات مسلمان که میگویند جن نهر شکلی در میآید آقای مرتضوی اینها را خوب میدانید من فکر میکنم جن نمیر همان قوایلاریم یعنی است قوایلاریم قوایلاریم نامبارک که قیافه میگیرد میتوانه اباس دین بتن بکند لیلی وطن بتن بکشد و میتوانه اشک تصاح بریزد برای طرفین اینها مختلف بنام متأسفانه تجربه وسیله امکانات قرون هم در اختیار آقاهاست ما هر بازاری کسی خوشینی که امیدواریم حوادث این روزهای که کسی خوشینی مارا تبدیل کرده باشد بنظر بنده جنگه با قوایلاریم بایستی دردمان بجهاد فوت باشد این

مطلبی بود که شاید هم در گذشته يك خودره اختلاف سابقه بود که بنده رنگت معالف داد بنده همیشه بوستان بزرگ کتفه بودم قربانان شایران معافه سیب و آرد این را بنامه ما را هم باید میبگم ما با معافه در هر جا در هر مقام از تأیید دروغ نگردیم اما شما یک کسی دورتر جا راهم ببینید معمولاً یک نمبیری هست که میگویند فلاخی بیش از نوبک نبیانی اثر نامی بدین معنی خیلی کم در خدمت شاهم چندان غرق در افکار و مفاسد خودی هست که در مورد آن میبینند امیدوارم این حادثه شوم این روزهای اخیر نشانمان داده باشد که جنگه معلایه قوایلاریم زیاد منظم نیست درجه چهارم نیست آتلور که باید انجام بشود چون من روزی منیخواهم عرض کنم غر در تاریخ خیلی کوتاه یکسوز بازاری که مقدمه جنگهای سلطی را در شنه جزیره ابری یعنی همین آسیانی فعلی بود و آورد این مطلب بود که سراسر آسیانیا را اسلامها گرفتند و یکسفر همانند یک بیست نفر فراری ما در این سفر بود مسلمانها این سفره غافل شدند گفتند اگر اینجا ندانند ما هست یعنی بیست نفر غافل اسباب چینی کردند که تا بیست نفر بد مسلمان از دست مسلمانها بدورتر. در جنگه که نجاهی این خطر الایات مخالفت بندهم همین است که بنده امیدوارم دولت عبرت بگیرد که نجاهی کند جنگه همه جا بدست شد هر سنگری. همانجور این تیری که جلومجلس خالی شد آید پستی که این تیسر را انناخت از آستین قوایلارینه در آمدن قایلریشی الزواریه ممکن است. بنده بگویم ما حرف تقضه ای داریم و همیشه بنده میخوانم عرض میکنم ماطور که بایستی مراقب میدان بهارستان بودایست مراقب تمام میدانهای دور و دوری ایشان من ملن عرض میکنم بنویسان مثل میگویم در مثل هم متفانه نیست البته این استکانت مثل آن آقای که در پلشنگر جامبگیرد و از این مملکت خوشی استفاده میکند عنوان خود بنفوش میدهد نشان ترغان مثل مثل ملکله عزیز ما. یک خان دودم و سوم میآید و عمران پلشگری را زرمز میبگند بدست دولت و باقدت دولت من میفهمستم بنویان مثال این مطالب را در سر کم میارم و باید پیش درلشگری پیش روید یعنی که جیشش هم برابر شده ولی منافع میبشتریم برابر قرار داد اوله کسی این شهر را امضا کرده مردم یعنی امضا کرده خود نشان

امضا کرده اند تاکنون جا داب این شهر خفته ندرمیداید چرا برای اینکه یکی از مأموران دولت شما سابقاً هم بدت شما بوده این مأمور مملکت که این جا خفرشود رنگه که میآیم هر روز با آقایان مأمور مشولتان میرساند انقلاب شما میگویم که چرا این شخص نگذاشته چاه خفته است چون شما از سطح صحت میبکند اجازه بدید بنده هم این اتفاق مأمور مشولان بکنم در منافع قضیای داریم قسبه تلازم دود این منعی یکی از مدوطلب لازم است جای گفتگو نیست یعنی حلالا باشیاست با دوزیریون از شب و روز چیزی ننداریم دولت که مآید باشد شهری را از اجزای میبکند البته انشاءالزمن تفواید آید رئیس الزواریه نباید بگوید که سندنست چون بنده سند ندادم پلشگری را در بدیش میکشاند که ماهی ده هزار تومان برقی بیشتر بفروش بیرون این مأمور با دزد است باصق چون اگر برآی چشم و ایسری کسی کار کند احق است از کربو بگیرد این نزد است اینهم بکنده گفت که منجر جاکم می دارد و قبول ملاصرات کرده کجا میبکند در دوش شایسیر کسی این مآورد موفق خواهد شد یک طریقه از کربو بگیرد این مآورد هر هارا ببینید و عینک نزدیک بینی را از چشم بردارید و این مشکلاتی که مترج احسانات و افکار این مملکت است که حرف مرا میبشنوید اینها مشکلات را باید حل کرد و چه کسی حل خواهد کرد زمانه اجازه نمیدهد که ما بنیاسبت و این مطالب را با هم گفتگو کنیم مطلب دولت بسیار خوب ما بزرگ دولت و در داد و اطراق وزیر کمال ندایم اتفاقاً بعضی هاشان بسیار مردمان دقیق و مردمان روشن بینی هستند (از کربو بگیرد) مع نشان خود جیختن) من بهر بدهای خود را عرض میکنم اما کسی که وقت میکند احتیاجات مردم را میرسد بنظر بنده در خوب است آنکه نیرسد مملکت را خوب باشد با قوه و اولی رسیدگی و دقت در کار بعمل درویده است اتفاقاً آقا فخر کرم لاهوتی مشکل لوله کشی نصف آباد را حل کرد من ابشرا میگویم یک روز در وقت این سازمان بر نامه که گفته اند چاه و پل

می آید که مزاج کران بر عام قدیم بزم بذاتان هستدورهای
داکتیم قربانان برود شما در دورانی که قرار گرفتند ای
بابان با یک جاوید خواهد بدفت و انشاء الله هم خواهد بدفت
و بد هکذا انتان که بگوید که بیرون اطاقهای شاهان هم
خیر است با همه ما که دوستی است بقدر قدرتی را یکی از
مثالک ایروانی است اما ملاقات بقدر یکی را بیابانزاد خود
امین بداند ما هم امتحان داده ام یک کس امتحان داده ام
را زنده می دهم هم میزبان انقلاب هستیم قلوب ما همه
الا مال از خلوص نست به شاهه ملکت نسبت به این نمود
است با بر این آباشما حق دارید نظریات اصلاحی نظریات
صمیمانه و خیرخواهانه بدنه انقدیده بگردد با
بشنوید و عمل نکنید بدنه انقدیده انقدیده انقدیده
مقتدری از سفید میبند می دهم اما امیدوارم این رای
سفید دولت را مغرور نکند و فکر نکند که همه چیز تمام
شده خیر ملایر این جنگی که جنگه با ما بدنه انقدیده
ولیس - آقای کیهان بیانی.

کیهان بیغالی - صمد آقا لسانی الاقدت لک بدنه
ارمز از افتخار دارم سمر تیر یشت این تریبون مقدس بیام
با یکب اجازه از ریاست محترم و همکاران محترم بدنه
میدان خیلی خسته شد امید خیلی هم صحبت شده است
با انموده و تم فراموش در چه روزی بیستم دولت عرض
را میگردم کار و به اختصار عرض می نمودم انشاء الله
بسیم خود بود طبقه دارم بیستگد مقدس شاهنشاهی استان
به پیشگاه امین ایران که بداند این محترم به خاندان
شادروان فقید حتملی منصور به یاران ارجمندشان
فراسیوه های مختلف به زیربایران این تریبون دشمن دوستان
تسلیم عرض یکدم دودد فراروان بروج شاهنشاهی
منصور که دودد در خدمت مشهوری است تا اینجا که ناست
در یادبازی انقلاب شاه و ملت فداکاری کرد برنامه های
بسیار تفصیلت تهیه شده بود مقداری انجم و مقداری در
شرح انجم است و انشاء الله بدست جناب آقای بود انجم
خوفا شد (انشاء الله) از اینک بیشتر از این موفله
صحت نشود و بیشتر از این متأثر نشود به سنا چند
بیش هم نشان می آید از این موفله میگذرد.
چشم چرخ اهل قیام زینب چشم
برق صحنه چون دور و آینه ان رفت

ما کاروان آخرتیم از دیار عمر
اومرد بود بیشتر از کاروان برقت
خارند انشاء الله هم منصور در ارحمت
کند

رقعی و شکست محفل ما

هم محفل ما و هم مل ما
با تأثر فراوان از این فاجعه درینک
با تأیید مجلسی که سخنرانان محترم همکاران
محترم فرمودند بدنه خواستیم از دولت استماع کنیم تعقیب
خلوتی و تعقیب جناب جانی که شریک این سوء قصد شده
میل بود و امیدوارم نتیجه زود فری استحضار ملت
ایران منتشر شود که ملت ایران داند از چه بر می آید
و بیجه مقصود و بیجه منظور در مقابل روش دولت و ملت
ایران روشن شود و امیدوارم از چه جزئی قشمتی انظامی
و قضائی با اجتناب آقای که نعت وزیر این مجلس را
برای اطلاع مجلس شورای ملی که بدنه انقدیده
هستند و همچنین ملت ایران روشن فرمایم بدست هم بدنه
بسیک جناب آقای بودا همکاران محترم تبریک عرض
میکنم این همکاران همان سر بزایان هستند که در دولت
جناب آقای منصور هم خدمت میگردند چه در تریبون
همکاران دولت چشم میخورد یکی جناب آقای جوادمصور
هستند که منیر عرض نسبت انشاء الله از همان خانواده
هستند و همان وطن پرش و دوستی دارانند و در نظری
انقلاب شاه و ملت قدم برخواستند و خدمت تریبان ایران
نیست و انشاء الله همینطور خواهد شد چهره دومی تیسار
سپهبد قهری ریاست کل شهربانی که فعلاً مقام معاونت
نصفت وزیر و ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور را
بدست گرفتند و بدست همکاران (انشاء الله) همشاه بودیم
چاباز بیان را شاهد بودیم (صحیح است) فداکاران را که
دردیم و امیدواریم به این که کیش از پیش در این دولت منشاء
خدمتی باشند (انشاء الله) و بدنه یقین دارم که بهتر از
گذشته بزم فداکاری خواهند کرد این تریبک دوم و
تبریک سوم قیامه قیلسوازه تیسار را یکرو هستند که
متأسفانه تشریف ندارند ایشان هم در گذشته بطور کلی
هر چه ما شاهد و نظیر بودیم هر چه بدنه بیاد می آوریم و از
دیگر آن هم موهل کرده ام جز خدمت سابقان در راه

شاهنشاهی چیزی دیگر از ایشان مشاهده نشده و امیدوارم
در مقام جنید هم همین رویه هر صبه را ادامه بدهند و
انشاء الله بدلت آقای بودا خدمت کنند بقدرت بیشتر
و این دولت در بر نامه های موفق بود جناب آقای بودا
اگر خاطر نشان باشد علت اینکه بدنه تمام سواقف مشروط
نست نام کرد تمصیر نصیب فرمود بدنه شادروان قدیم صمد
حشطنی منصور هم به نظریات بدلت کردیم و انجا مصلحت
بر عرض رساندم که حالا هم مرش جناب عالی و دولت
محترمان میسرمان بدنه حتماً رای خواهد داد رای موافق
و با کمال میل و ان شرط همان شرطی است که در برنامه
دولت قبل گفته شده است چون یک مقداری هنوز سازمان
ناچار این سواقف موافق شرط هشتم ناچالی که دولت ناچالی
برای ایسادی انقلاب شاه و ملت در اجرای متواتر مقدس
مولوکانه و راه ملت ایران قدم بردارد با کمال اقتضار
میل پشتیبان شما هستیم و از هر گونه مداخله و فداکاری
و تسویق درباره جناب عالی و همکاران عزیزان نامتو
نخواهشند که ما اینکه در گذشته به نسیادت سابق
جلسات مجلس شورای ملی بدنه این عرض را بیبوت
رساندمد کاهسی که در یک مسورد اشتقادی شده با کمال
تسهات و سرحات از بیست این تریبون مقدس عرض شد
رساندمد تقاضا کردم بود چه برتری بدنه کاهی خدمت بسیار
از زنده ای از طرف دولت مجلس آمد و دیده شد که بدنه
ملاح دولت بود تا اینجا که از خود کسرتیم به بدنه گفته
شد که شما در مدای این دولت رد رفیق ولی این عقیده من
بود احسان من بود این بدنه بود همیشه این رویه را
ارامه نخواهد بود و این یکی که جناب عالی همکاران محترمان
همان شیوه مرصبه را داشته باشند با کمال میل و انقتضای
در پشتیبانی شما کویتا خواهد بود و اگر خدای نکرده
یکی چیز ملامتسی از این مجلسی که عرض کردم از نسیادت
انقلاب شاه و مردم دیده شود چن خواهد داد بر حسب
و طبعی که بر مرصبه دارم از نسیادت انتقاد کنیم و شاید بتوانیم
ارشد کنیم اما این نکته که گفته شد دولت در گذشته
خدمتی کرده است با نمودن لیباً در بیانات همکاران در بدنه
قدت به هم خود میاید عرض کنیم که دولت در رسیدن چند
روز خدمتگذاری گذشته دولت شادروان منصور خدمات
از زنده ای کرد در منطقه خراسان منطقه استغابیه بدنه

کاهای بسیار اصولی در زمان این دولت انجام شده اند
از ما بندگان - که هم محکم کردند البته بدنه خراسان را
الافق بود از زمبل خردن عرض کردم آقایان و طیفه مان
است که بعد تمویق بدنه مایه و اظهار کس ششاسی فرماید
در خراسان خدمات بسیار زینبیشی انجام شد یک برنامه های
در خراسان در است اجرا است که بدنه خلیک مجلس
به اندازه بسیار زیاد قلداد خواهد شد و اگر این یک
بادر پیروزی که هست انجم بدنه انشاء الله انجام خواهد
شد بدنه ندیم از نظر عمران و آبادی مخصوصاً در دستا
و بلکه خدمتگزاری کرده است و افراد و دستجات
و طریقات و ملت ما را مؤمن به مجلس شورای ملی
و معتمد بشما حفظ میکند و زنده نگه میدارد بدنه و طیفه
خود میدانیم از این مدت کوهزه از خدمتی که نسبت
بهوزه استغابیه بدنه شده شد تفکر کنیم (سفی - انشاء
شرطی زنده دارم در باره انشاء الله ششاسی را هم نخواهید
و جناب عالی ملاحظه فرمودید که از خدمت دولت بدنه
همیشه این مداع بود (صحیح است) عرض کرد تا آنجا
که کشاید به جناب ابرار گرفتند مجلسی که نا گفته است
است در این جریان بدنه انقدیده و تسویق و رفتار
همگی مقام ریاست مجلس بدولت بود است (احسن)
بدنه اینجا و طیفه دارم این مطلب را بعرض آقایان برسانم
ندیم ان توجه فرمودید بود فرمودید باخیر در دوران
گذشته مشروطیت خیلی وقتها بدنه شده که از درون
مجلس شورای ملی از منقسم قلب با دولت همکاری نداشتند
ولو دولت خدمتگزاری بود برآز آقدف برنامه اش پیش
ترفته جناب آقای مهدیس ریاضی که از فضایی کشور ما
هستند و سردار و سوار ارتحتم هستند (صحیح است) در دولت
شادروان منصور از نظر پیشرفت برنامه های مشرق و ریاسدی
انقلاب خدمات از زنده ای کرده که بدنه امروز واجب
است و همینطور هم خواهد بود که نسبت بدلت جناب
آقای بودا بیشتر از پیش میاید که ادامه بدنه که
موجبات رفاه ملت ایران و خواسته های شاهنشاهی عالیقدر
ما انجام شده شد که گهای بدنه از مجلس دارم اول از خود
و بعد همکاران الان قرب یکسال و نیم از عمر مجلس

میگذرد همانکجا با افتخاری که داشته‌ام قبولود طرح های ازادسازی هم برای دولت تهیه میگردیم این در مجلس های گذشته سابقه داشت اگر تاریخ رارق بزید می بینید که نمایندگان مجلس در دوره های گذشته در این زمینه نیت باخدا نکرده سوء نیت گاهی یک طرحی این نیت میگردند و بدولت میدهند معافوت کرده‌ام وقتی که دولت کار خوبی میکند تعریف میکنیم و گاهی که کار بد میکند انتقاد میکنیم من خیال میکنم دولت ابتکار دارد اما وظیفه ما هم این است که گاهی یک طرحی که برای دولت مفید باشد چه از نظر اکثریت در حزب بسیار محکم و ارزنده‌می که دارند و با در فرا کسیون اقلیت این طرحها تهیه بشود عرضه بشود بدولت و بهمنورشان عرضه شود شاید از طریق خود دولت بیشتر برای ملیتک معافیت باشد شده استدرعای این است که این نصب العین باشد و همه مامم همکاری کنیم در این کار شاید بتوانیم بهم خودمان گرهی از کار دولت باز کنیم و ما همی از جلوبای پای دولت برداریم (دکتر محمد زبیری - این کار از طریق حزب انجام میشود) زمر طرفی که انجام شود موجب افتخار ملتستوماهاست خوبی فرمودند جناب آقای دکتر خلیلی که تشریف ندادند و بنده لذت بردم معطایشان بسیار عالی بود که فرمودند چه بهتر است هر چه میخوانم در زسان حال بگویم بخیر! بیوسه نعل خالدا همه دست هم بدهیم همکاری میکنیم در این کار ما میسران انقلاب هستیم اگر اختلاف سلیقه داریم اختلاف روال و اختلاف طریق اقتضایا نداریم همه در یک جهت حرکت میکنیم من این طوعرض میکنم بکنده بهر اعراس کرد منتهی ممکن است بند هم طوعرض استنباط کنم گفت خدای کرد مشتمه وزیر ارشاد کردند ایشان ممکن است خدای نکرده مدعی معطلی بفرمایند که مطابق میل ما نباشد ما باید براضی خدمتشان بکنیم ولی باید با هم همنانگی داشته باشیم آخرین پیشنهاد بکنده بهمنور مقام ریاست این است بدون تقاضا بدون اینکه هیچ ضروری بفرمایند بنده پیشنهاد میکنم در مراسم یادبود شادروان فقید با تشریح گل که بهر تریبی که مقام ریاست مصلحت بداندند بطور مستجمعی از خدمات شادروان مرحوم منصور تجلیل بفرمایند با در مراسم شب هفت با در روزهای بده در آرمگاه کشم این

میگذرد همانکجا با افتخاری که داشته‌ام قبولود طرح های ازادسازی هم برای دولت تهیه میگردیم این در مجلس های گذشته سابقه داشت اگر تاریخ رارق بزید می بینید که نمایندگان مجلس در دوره های گذشته در این زمینه نیت باخدا نکرده سوء نیت گاهی یک طرحی این نیت میگردند و بدولت میدهند معافوت کرده‌ام وقتی که دولت کار خوبی میکند تعریف میکنیم و گاهی که کار بد میکند انتقاد میکنیم من خیال میکنم دولت ابتکار دارد اما وظیفه ما هم این است که گاهی یک طرحی که برای دولت مفید باشد چه از نظر اکثریت در حزب بسیار محکم و ارزنده‌می که دارند و با در فرا کسیون اقلیت این طرحها تهیه بشود عرضه بشود بدولت و بهمنورشان عرضه شود شاید از طریق خود دولت بیشتر برای ملیتک معافیت باشد شده استدرعای این است که این نصب العین باشد و همه مامم همکاری کنیم در این کار شاید بتوانیم بهم خودمان گرهی از کار دولت باز کنیم و ما همی از جلوبای پای دولت برداریم (دکتر محمد زبیری - این کار از طریق حزب انجام میشود) زمر طرفی که انجام شود موجب افتخار ملتستوماهاست خوبی فرمودند جناب آقای دکتر خلیلی که تشریف ندادند و بنده لذت بردم معطایشان بسیار عالی بود که فرمودند چه بهتر است هر چه میخوانم در زسان حال بگویم بخیر! بیوسه نعل خالدا همه دست هم بدهیم همکاری میکنیم در این کار ما میسران انقلاب هستیم اگر اختلاف سلیقه داریم اختلاف روال و اختلاف طریق اقتضایا نداریم همه در یک جهت حرکت میکنیم من این طوعرض میکنم بکنده بهر اعراس کرد منتهی ممکن است بند هم طوعرض استنباط کنم گفت خدای کرد مشتمه وزیر ارشاد کردند ایشان ممکن است خدای نکرده مدعی معطلی بفرمایند که مطابق میل ما نباشد ما باید براضی خدمتشان بکنیم ولی باید با هم همنانگی داشته باشیم آخرین پیشنهاد بکنده بهمنور مقام ریاست این است بدون تقاضا بدون اینکه هیچ ضروری بفرمایند بنده پیشنهاد میکنم در مراسم یادبود شادروان فقید با تشریح گل که بهر تریبی که مقام ریاست مصلحت بداندند بطور مستجمعی از خدمات شادروان مرحوم منصور تجلیل بفرمایند با در مراسم شب هفت با در روزهای بده در آرمگاه کشم این

با تصمیم مقام ریاست بستگی دارد . جناب آقای هویدا آیینیه سلسله است همه آرزو میکنم هر کسی وهر رشته‌ای هر عنوان ودر در مقام ودر هر لباسی که توفیق پیدا بکنیم بسهم خود بدهیم با انجام خدمات سابقه‌ام و دفاتری ویشی را که بهمنور شاهنشاه عظیم الشان وملت ایران انجام بدهیم ما بر برنامه های جنابمالی آماده خدمت هستیم امیدواریم از ترحم و یاریت یادبود شادروان منصور راه برداریم اما دامه‌دهیم وبقین بداندیم مادام که این طریق صواب ورا میروید خدا پشتبانشان شاست شاه پشتبانشان شاست و ملت و نمایندگان و ارادتمند هم پشتبانشان شاست هستیم (احسن است.)

رئیس - خانم دکتر یارسانی

پانوه دکتر یارسانی -

بندودن وقت قبل از دستور و بعد از دستور بیسیدانکرده که احاسات خودم را در این روز وروزه بکنم این است که در برنامه دولت بعنوان موافق نیت نام کردم و اجازه میخوانم دقیقه چند خطی کم وقت آنها و آقا نمایانم را بیکرم جناب آقای هویدا اگر چه در این واقعه انصافانک که خود تسلیم احتیاجی دارم اما میدانم مردی که توانست با کمتر از دو سال همکاری با ما چنین نفوذ منوری در فکر وروح و قلب ما بوجود آورد چنین امکانی در فعالیتها نمیترش این دوران در ما ایجاد نمیداند چوایا در ۲۷ خالودستی و همکاری با آن جنابیدر تالیف وجودتوان رخنه کرده و شاید منساق پلشروح و دودیندار بوجود آمده است بناری این از جانب خود ویکه همکاریان عزیز این واقعه در دینداران شما تسلیم میکنم امروچ پیش افتخار و تبریک میگردد و درود میفرستم که چنین سعادتیں عینیست کردی و افتخار شاد است اگر عده مدعوی استخفا بزرگه دیا است بهار دست داد و شما هم این افتخار بدقیال راهی که او در پیش گرفته و ما همه با ایمان و اعتقاد کلی بدقیال میرفتیم راه کرده ایم پیش بر میروید تبریک میکنم اگر افتخار همین نظر مجامعید است در اجتماع این برقرار باشد در پیش این انقلاب سیاسی شیوع و منهور شاهنشاه همچنان با آمده مترقی ایران امر میگرد و پیش میروید روزان مردمان با ایمان و مصمم نیز همنسازیم بازمی راستخرد جستجوی سعادتست

ایران بتلاش و کوشش میبردارند . همه مداینم که این چنین وقایع دردناک با نسیف آرد در همه ممالک دنیا و در همه قرون و اصهار تاریخ هنگامی رخ میدهند که سلسله است و راه نگهته با بوسیده خودرا عوض میکنند و کمپزیشن میکنند سود جویان از ترس افتخار ازهای تانان و آنچه که سالها کرده‌اند کسی تفهیمه است و از نگرانی آنکه مبادا روزی می‌رسد که از جهالت و نادانی دیگران بسبب آن تانان سینه‌است قطع شود . دست چپین اعمال خائنانه میزند اما تاریخ جهان و بهمنوس تاریخ اسلام که برز در فداکاریها و شهادهای اتمه اظهار است بدیاس نشان دادیم است که با ترویز وقت و مسوم کردن و کشتن اشخاص و بنویانای هرگز کار خیر عقاید آنان از بین نمیروند نام ضاربین و ظالمکاران شاید فراموش شود اما لغهای نام و نفرین ولعت و قبیح اسمای اهل رابگهتیر خود ما نهاداروز بروز پر آرزوتی میگرد و افکار عقاید آنان به اکتاف و اطراف حواصیر اکنده میشود . بشما که امروز با معرفی خود در راه همان شیوه‌یون را انتخاب کرده اید تبریک میکنم شما میجویی که ملت ایران پشتبانش شاست و در این میان هیچکس از مرگ هراس و وحشت ندارد شاید تروید کنندگان میخواستند با ایجاد وحشت و دل‌سردی در بین خدمتگاران شایعی بدست آورند اما برای آنان مستغافنه این مقدر و میسر نیست زیرا برای که بر اساس همکاری و فعالیت دست جمعی در مملکت خیر میخواستند عزیز ما آغاز شده است از این رفتن بکنند و فرود نرفسد نفر هم متوقف نماند همانگونه که در دنیا باینگونه فعالیتها روزیروز بر سرش و مترقی گشته است .

است اما علت موافقت من با برنامه دولت در گوش من آنهنگه فرمان شاهنشاه فرمان صریح و مکرر بود متفق کمیسیون پیشین بنیین اندازات و مواظبت خواهی میگردیم مستنصوب مکتب سادات محبت و وفاداری و وصییت بودم است از شاگردان سدید همین مکتب خواهم بود (احسن است) دولت و مجلس هفته برز کردی برای داد پیش در اندر برنامه دولت و ده ماه پیش و با جلسات متعدد و میثاق گفت شهادت روزی برای آن صحبت شده و بشعوب رسیده است میزافترا با کلمات و لغات مشغول نکنید و پیش برویم (احسن است) - رئیس - نظر دیگری نسبت به برنامه دولت نیست (نمایندگان ، رأی ، رأی) جناب آقای هویدا فرمایشی داشتند بهر ملاحظه .

نقصت وزیر (هویدا) - ساینکس امروز در اینجا بنده بود و بهر چه نماند نیشتر و سوسای گوش از دوستانی که اینجا صحبت کرده اند متشکر میکنم بهر چه تشکر میگرد ولی من هم طریقتدارم اینجا در باره سالی که گذشت در تکلیف که ایشان داشتند عراضی بکنم در بدوا امر بیستی عرض کنم همانطوریکه بشکر از منصور در پیش همین تریبون عرض کرده است و بنده هم عرض میکنم این دولت احترام فراوانی بجلس شورای ملی دارد و این دولت پشتبانش این مجلس احتیاج دارد (احسن است) این دولت به همکاری با این مجلس اقتدار دارد (احسن است) بنده در بدوا امر بیستی عرض کرده ام اما برای آنکه این مجلس آوردیم آنچه که تصویب شد تقریباً که در آن داو شد لایحه بهتری بدست من آمد و اجرا شد لذا این مجلس را متروک بدهم که در صورت حاد میباید پشتبانش این مجلس هیچگونه کاری نمیتوانیم انجام بدهیم و نمیتوانیم برنامههای خودمان را بقصد برسانیم جناب آقای یا بنده درباره لوله کشی نغصاً باید صحبت کردند آنان یکی از همکاریان بین اطلاع دادند که منافضاتی گذاشته شده و امیادرامه کاین موضوع حل شده باشد راجع به هیما رستان نغصاً باید یکی از همکاران اطلاع دادند که بزایسهمی رفته بود بنده در محل بود اما دستور آقای سدید خواهم شد همین امروز که این موضوع هم حل شود مسلماً نباید کله‌ای بود اگر ما نتوانیم تمام برنامه‌های که دردم نظر خاندانها و آقا بایان است فوراً عملی کنیم . اجباراً باید طبق

پاک بر نامه ای که از ایامیان را با انجام بدهیم که هادرمجلسی زودتر شروع میشود و در محفل دیرتر ولی تنها اطمینانی که میتوانیم خدمتتان عرض کنم این است که این برنامه ها عملی خواهد شد (انشاء الله) جناب آقای یارنده راجع به مدتی سفید و دو سه سیاه صحبت کردند برای ما دو سه دهر لایس باشد و در آن وقت همین جناب آقای بانکا و هوشیار تمام سربازان ملی که ما تعیین نمائیم تا کنان مجلس هم سربازانی هستند که در همان دو ماهه گذشته در آن جناب آقای کفای بغانی با صدای شیرین ایشان راجع به دست عزیزان حتمی منصور سخن گفتند من متشکر هستم و میدانم اگر من مجزون هستم ایشان هم خیلی مجزون هستند راجع به تعقیب خیانتکار و جنایت و جنایتکاران نامورین قضاوت با کمال علاقه و حدیث مشغول فعالیت و تعقیب این کار هستند و با ایشان اینجا میتوانم مژده این کار را بدهم که به تعقیب سایر اعمالی رسیده ام ولی این اطلاعات را با اجازه مرقوم نمائید تا این که تعقیب صاحب پیدا کند به اطلاع عموم نرسد و یزیدی هم دولت این کار را انجام خواهد داد و انظیسان داشته باشید که این بزنامه های صادر در این مملکت ریشه کن خواهیم کرد (انشاء الله) راجع به مفتول و الیزیم صحبت است مشغول ششم بهمین جناب آقای یارنده مفتول الیزیم را از زمین برود (صحیح است) که فکر اولیسم هم آن آتانی سیم میکنند با لایسهای دیگر بکنند ولی جنکی است که ما در آن موفق خواهیم بود و مفتول و الیزیم شکست خواهد خورد با یارنده موفقین شمارا از خندا میخواهم) خانم دکتر پارسی راجع به صمیمیت منصور صحبت کردند و به بنده نسبت گفتند این تلیاتی است که با یستی بملت ایران گفتند (صحیح است) چون همزمان با بنده هستیم (مستند)

رئیس - نسبت به رأی امتداد بدولت جناب آقای یارنده با توجه اخذ رأی میشود.

(اسامی نمایندگانی که سربازان ملی بی وسیله منتی اعلام واخذ رأی در مجلس تعلق بعمل آمد)

دکتر حاتم - مهندس کمانگر - مهندس ریاضی - مهندس عطایی - مهندس جلالی نوری - دکتر زعفرانلو - دکتر دکتر کلالی - خواجه نوری - دکتر کرمانی - دکتر زعفرانلو - دکتر المونی - دکتر مصباح زاده - موقر - بوشهری - مهندس - کنگرلو - مرعشی - دکتر خطیبی - رضوی -

میرهادی - حبیبی - مهندس سائلی - روستا - دکتر جعفری - موسوی ماکوئی - مهندس مالک - مصطفی - ارستاجانی - کیهان بغانی - طالب زاده - دکتر بقائی یزیدی - یارنده - بانو نفیسی - محدث زارنده مهندس اصاری - دکتر ضیائی - بانو اینتاج سمیعی - بانو دکتر دولتشاهی - بانو جویباری - بانو تربیت - مهندس پروشانی - فرارچولو - سائلی - امیراحمدی - بانو دولت پارسی - بافغینی - حق شناس - صائب - سیفی - دکتر اسیدی - دکتر اسفندیاری - سلیمان کشفانی - مهندس کیا - بختیار بختیاربها - یزیدی - دکتر غنی - اوزار - دکتر اسفندی - دکتر بوزهرامش - دکتر مهندس بهبودی - ظفر - دکتر سرامی - فیملی - دکتر رمضان - دکتر حکمت - دکتر فروب - دکتر زهنوردی - دکتر کیان - ریگی - مهندس ارفع - شاخوئسی - الرزی - دکتر سید - لوفی - یاک ذات - نیاکان - میرهاد - فرافضل - دکتر صاحب قلم - نبیسی - سلطان احمدی - زید کرزاده - طبیطیاتی - دکتر فراگرلو شایبی طرفی - یزید - مبارکی - موسوی کرمانی - اولیاء - سائیکیان - طهماسبی - امام مسروح - دکتر یگانگی - کیوان - زند - موسوی - مهندس برومند - دکتر یزیدزاده - توملی - یزیدی - دکتر یزیدزاده - رضوانی - دکتر متمدن و زبری - اقبالی - امینی خراسی - دکتر حبیبی - حاذقی - مللثا زاده آملی - بنده صالحیان - جیهانتهامی - قلمه جوقی - مرزادی - حکمت یزیدی - متولی باش - رهبر - صادق احمدی - شیخ الاسلامی - دکتر حکیم شورشوی - کلاشر هردی - سربیک کیمیان - دکتر مدنی - مهندس پرویز بهبودی - دکتر مهنی زاده - مهندس عدلی - مهندس مجتهدی - مهندس صدقانی - مهندس میندی - مهندس منشی مهر - دهمیم - سربیک کفازاد - دکتر شلگر هابونی - فخر طبیطیاتی - رامید - کتفی - کورس - مفتولادونند صیبری - آموزگار بهبودی - مجد - روحانی - نوربخش - بهادری - قاسم مرادی - سربیک یزیدی - ابراهیمی - بالاخانو - نفیسی - تهرانی - اهرم - مهندس زنجابویی - کرمانی - سیدوزیری - احتشامی - مهندس جلالی - دکتر نجیبی - مهندس زارنده - ادیب سمیعی - نامنی - مهندس احوان - ایلمخان - پرویزی - نارویی -

چوانگیری - کمالوند - رحانی - دکتر صالحی - جابود - دکتر امامی - کبیری - دکتر مهنوب - مهندس ریاضی - مهندس سمیعی - مهندس اسدی سمیعی - مهندس اولاد آقاییان (آرامخونه شماره ۲۵ شیشه برنارزیر اعلام گردید)

آراء موافق ۱۵۶ رأی

رأی مخالف ۱ رأی

وزفه و مخالف انتشاء ۱ رأی

رئیس - مجلس شورای ملی با توجه به برنامه دولت به اکثریت ۱۵۶ رأی موافق بدولت جناب آقای موبدالارباب اعتماد کرد (مذاکره است).

سرفلشر کمالوند - مهندس سلطان احمدی - دکتر مدنی - دکتر اشتادی - امیر احمدی - ایلمخان - بانو اینتاج سمیعی - قلمه جوقی - مهندس اسدی سمیعی - مهندس مجتهدی - مبارکی - دکتر صالحی - جیهانتهامی - رهبر - یارنده - شاخوئی - رحانی - پرویزی - شعیبی یوز کرمانی - دهمیم - دکتر بقائی یزیدی - مهندس - حق شناس - مهندس کیا - ریگی - مهندس مینی - لوفی - یزید زکر زاده - دکتر یگانگی - میرهاد - دکتر صاحب قلم - دکتر فراگرلو - البریزی - مهندس صدقانی - رضوی - محدث زاده - صیبری - کمالوند - ارستجانی - دکتر امین - کیوان - دکتر کیان - سیدوزیری - سربیک کیمیان - مهندس یاجی - حبیبی - مهندس سائلی - مغانی - مهندس مینی زند - مرعشی - روستا - دکتر مهنی زاده - احتشامی - میرهادی - دکتر موقر.

مخالفه آقای موسوی کبیری .

مستعین آقایان دکتر اسدی - صادق احمدی - دکتر اسفندیاری - امام مرواح - بختیار بختیاربها - دکتر مهندس بهبودی - دکتر بوزهرامش - جابود - دکتر جعفری - دکتر سعید حکمت - رامید - دکتر رمضان - سائیکیان - شیخ الاسلامی - عبدالعظیم طبیطیاتی - ظفر - فخر طبیطیاتی - موقر - مهندس اولاد آقایی - تیری .

رئیس - جناب آقای یارنده بفرمائید.

نصحت وزیر (هوردا) - بنده از برای که به برنامه دولت داده شد یعنی با آن برنامه های که روی انقلاب شاه و مردم مستند است رأی داده شد از طرف خود و همکاران تنگ منگ میکنند بهر ایستایی ولی دولت که همان دولت سابق است از همان صمیمیت و قاضیت سعی خواهد کرد که برنامه های دولت را که قبلاً هم تصویب شده بود در مرحله اجرا بگذارد و با قاضیت بیشتر هم اگر میسر باشد دنبال رسیدن به این هدفهای عالی کند. منظر اینحضرت شایبونی است برسد (مستند)

۵ - قرائت اسامی هیئت رئیسه کمیسیون رسیدگی باریحه اصلاح قانون بازرگانی

رئیس - اسامی هیأت رئیسه کمیسیون خامرآمور رسیدگی باریحه قانون تجارت از مجلس شورای ملی قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

آقای دکتر عدل طباطبائی رئیس.

آقایان: کورس - مرضوی نواب رئیس.

آقای دکتر وحیدنیا مخبر.

آقایان: اوزار - ریگی منشی

۶- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه امروز

را ختم میکنیم جلسه آینده روز سه شنبه ساعت ده صبح

خواهد بود.

(چهار دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی